

اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۸۱

کاربرد نظریه "اسناد" برای شناخت گندمکاران پر تولید و کم تولید

کوروش رضائی مقدم، دکتر غلامحسین زمانی، آرمان بخشی جهرمی*

چکیده

یکی از نظریه‌های مربوط به ایجاد انگیزش و استمرار آن برای کار، نظریه اسناد^۱ است. در این نظریه، توجهات فرد، در موارد موفقیت و شکست مطرح می‌شود و افراد، نتایج کار خود را عمدتاً به چهار عامل اصلی توانایی، تلاش، سختی کار و شانس نسبت می‌دهند. برای این چهار عامل اسنادی، سه خصوصیت در نظر گرفته شده است که عبارتند از: درونی یا بیرونی بودن، با ثبات یا بی‌ثبات بودن و کنترل‌پذیر یا کنترل‌ناپذیر بودن. هدف این پژوهش مشخص کردن این موضوع است که گندمکاران، موفقیت و ناموفق بودن خود را در تولید گندم به چه چیز یا چه کسی نسبت می‌دهند. این پژوهش با استفاده از روش تحقیق پیمایشی و کاربرد روش نمونه‌گیری تصادفی

* به ترتیب: عضو هیئت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شهید چمران اهواز؛ دانشیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز؛ کارشناس ارشد سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان.

E.mail: ghh_zamani@yahoo.com

1. attribution theory

طبقه‌بندی شده دو مرحله‌ای انجام گرفته‌است. برای این منظور با ۱۳۰ گندمکار از روستاهای شهرستان بهبهان مصاحبه حضوری انجام گرفته و پرسشنامه مربوط تکمیل شده است. نتایج پژوهش حاکی از این است که بین میزان تولید گندم با اسناد به تلاش و اسناد به توانایی، همبستگی مثبت و معنیدار وجود دارد و برعکس، با اسناد به سختی کار و اسناد به شانس رابطه منفی و معنیدار برقرار است. یعنی تولیدکنندگان موفق فعالیت‌های خود را به تلاش و توانایی‌های خود نسبت می‌دهند. به عبارتی، هر چه تولید کشاورزان بالاتر می‌رود، آنها موفقیت خود را بیشتر به تلاش و توانایی‌های خود وابسته می‌دانند. علاوه بر این، میزان تولید گندم با اسناد به عوامل درونی رابطه مثبت و معنیدار دارد. لزوم اجرای برنامه‌های آموزشی برای تغییر سبک اسناد گندمکارانی که عملکرد خود را به عوامل بیرونی نسبت می‌دهند جهت افزایش اعتماد به نفس و مسئولیت‌پذیری و همچنین فعال‌تر شدن آنان، از پیشنهاد‌های این پژوهش است.

کلید واژه‌ها:

نظریه اسناد، انگیزش، مرکز کنترل، گندمکاران پرتولید و کم‌تولید.

مقدمه

موفقیت، اشتیاق و امید در کار کشاورزی، وابسته به عواملی رفتاری است که عامل انگیزش زیربنای آنها را تشکیل می‌دهد. پذیرش تغییرات اجتماعی، مشارکت فعال در یادگیری، قبول مسئولیت‌های اجتماعی و فردی، شرکت در برنامه‌های ملی و توسعه روستایی و... تا حد زیادی بستگی به انگیزش انسان و شدت آن دارد (زمانی، ۱۳۷۰). در خلال دهه‌های ۱۹۳۰ تا ۵۰، انگیزش، زمینه اصلی مطالعات در روانشناسی بوده است (Weiner, 1985) که به توصیف یک سابق، به نیاز یا تمایل برای انجام یک کار خاص یا عمومی اطلاق می‌شود (Slavin, 1986). انگیزش بر تمام جنبه‌های رفتاری انسان و همچنین بر دیدگاهها، مفاهیم و یادگیری‌های وی تأثیر می‌گذارد.

یکی از موضوعهای کاربردی انگیزش، تبیین‌ها و دلایل افراد در مورد موفقیتها و شکستهایشان است. نظریه اسناد علل موفقیتها و شکستهای افراد را از دیدگاه خودشان ریشه‌یابی می‌کند (همان منبع). به عبارتی، منظور نظریه یاد شده این است که اسنادهای علی بر انتظار موفقیت مؤثر است (Weiner, 1985).

انگیزش در انسان به وسیله یک سیستم پیچیده افکار و احساسات حمایت می‌شود. هنگامی که ما در انجام یک عمل موفق می‌شویم یا شکست می‌خوریم، به طور طبیعی به مبنای آن موفقیت یا شکست می‌اندیشیم، در واقع، مسئول آن وضعیت را جستجو می‌کنیم و می‌خواهیم دلایل عملکردمان را بفهمیم؛ به عبارت دیگر می‌خواهیم اسنادهایی در باره کسی یا چیزی که مسئول چگونگی عمل ماست، ارائه دهیم. این اسنادها به طور سیستماتیک به انواع مختلفی از رفتارهای بعدی مرتبطند. اسنادها همچنین منبع احساسات خوب، بد و بی‌تفاوت ما بعد از موفقیت یا شکست در یک عمل هستند. اسنادها پیامدهای عاطفی و هیجانی دارند. چگونگی طبقه‌بندی اسنادها بر عملکرد ما برای انجام یک عمل در آینده نیز تأثیر می‌گذارد. مثلاً در صورتی که فرد معتقد باشد که می‌توان شکست را کنترل کرد، یا اینکه شکست نتیجه کم‌کاری و تلاش اندک او بوده است آنگاه برانگیخته می‌شود که در آینده بهتر کار کند. اما در صورتی که فرد معتقد باشد که نمی‌تواند علت شکست را کنترل کند آنگاه ممکن است حتی برای عملکرد بهتر نیز تلاش نکند. در این باره می‌توان گفت که شکست به خودی خود زیان‌آور نیست بلکه نسبت دادن شکست به دلایلی کنترل‌ناپذیر، زیان‌آور است (Gage & Berliner, 1992). لذا اسنادهای علی در مورد موفقیت یا شکست به تبیین انگیزه‌های بعدی یا فقدان آن کمک می‌کند (Chandler & Spies, 1996).

به لحاظ نظری، عقاید و باورهای افراد نسبت به علل موفقیتها و شکستها تحت عنوان اسناد علی^۱ شناخته می‌شود که این اسنادها حد واسط بین نگرش نسبت به یک عمل پیشرفت‌جویانه و عملکرد نهایی هستند. این اسنادها تعیین‌کننده انگیزه برای تلاش بیشتر در

1. causal attribution

آینده‌اند. از طرفی انتظار اندک برای موفقیت و در ماندگی در غیاب اسنادهای توانایی، سبب کند شدن آهنگ پیشرفت می‌شود (همان منبع). نظریه پردازان اسناد، اسنادهای علی یا توجیه افراد در مورد دلایل انجام یک رفتار را بررسی می‌کنند. به عبارتی اسنادهای علی، تفسیر مشاهده‌گر در باره علل رفتار (خواه رفتار خود فرد یا رفتار دیگران) نیز می‌باشند.

اولین تحلیل سیستماتیک در مورد ساختار علی رفتار را فریتز هیدر پیشنهاد کرد (Weiner, 1985, 4). او به عنوان بنیانگذار رهیافت اسناد در روانشناسی شناخته شده است (Brehm & Kassim, 1993; 1977 Fanelli,). هیدر توضیحات افراد را در دو طبقه عمده دلایل شخصی (درونی) و موقعیتی (بیرونی یا محیطی) قرار داد (Zuckerman, 1979; Mughaddam, 1998). از نظر هیدر، اسنادهای درونی هنگامی صورت می‌گیرد که فرد رویدادها را به ویژگیهای درونی خود، مانند توانایی، شخصیت و... نسبت می‌دهد و اسنادهای بیرونی (موقعیتی) مربوط به هنگامی است که وقایع را به سازه‌های بیرونی مانند کار، دیگر افراد یا شانس منتسب می‌کند (Brehm & Kassim, 1993).

بعدها پژوهشگران دیگر برای تحلیل مجدد علل درونی - بیرونی تلاش کردند و الگوی بهتری در این مورد ارائه دادند مبنی بر اینکه پیشرفت عمدتاً با یک طبقه بندی 2×2 از ۴ سازه توانایی، تلاش، سختی کار (عمل) و شانس رابطه دارد (Weiner, 1985; Fanelli, 1977).

امروزه ثابت شده است که این طبقه بندی کاستهایی دارد؛ مثلاً در صورتی که فردی چیزی را یاد می‌گیرد، توانایی او ممکن است ناپایدار باشد و یا تلاش او ممکن است با برچسبهایی مانند تنبلی یا سختکوش بودن، به صورت پایدار در نظر گرفته شود. همچنین انجام کارها به صورت مشکلتر یا آسانتر قابل تغییر هستند و شانس هم ممکن است به عنوان یک ویژگی شخصی (خوش‌شانسی یا بدشانسی) در نظر گرفته شود. لذا نتیجه‌گیری پژوهشگران نشان داد که این ۴ علت یک سیستم طبقه بندی درست را به طور واقعی ارائه نمی‌دهند (Weiner, 1985).

از این رو امروزه اسناد تحت ۳ بُعد طبقه بندی می‌شود: مرکز (یا منبع) کنترل، پایدار بودن و کنترل پذیری. در این طبقه بندی، مرکز یا منبع کنترل به معنی این است که

آیا مرجع یک علت درون یک فرد قرار دارد یا بیرون او. پایدار بودن به معنی ماهیت زمانی یک علت است و کنترل‌پذیری نیز به معنی میزان تأثیر ارادی فرد روی یک علت است (Slavin, 1986; Betancourt & Weiner, 1982). از این ۳ بُعد، ۸ طبقه مختلف در اسنادها می‌توان ارائه داد که در جدول ۱ آمده است (Gaje & Berliner, 1992).

جدول ۱. طبقات مختلف در اسنادها

کنترل‌پذیری	پایدار بودن	مرکز کنترل
کنترل‌ناپذیر	پایدار	درونی
کنترل‌پذیر		
کنترل‌ناپذیر	ناپایدار	
کنترل‌پذیر		
کنترل‌ناپذیر	پایدار	بیرونی
کنترل‌پذیر		
کنترل‌ناپذیر	ناپایدار	
کنترل‌پذیر		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

یک نکته مهم این است که ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با انگیزش، مانند انگیزه پیشرفت، اسنادها و مرکز کنترل، تغییرپذیرند (Slavin, 1986). به عبارتی در صورتی که افراد متوجه موفقیت در شرایط جدید (روش کاشت جدید، راهبرد علمی برای حفاظت گیاهان، کاربرد وارته پربازده و...) شوند، ممکن است الگوهای درازمدت خود را در مورد مرکز کنترل بیرونی و انگیزه ضعیف پیشرفت کنار بگذارند.

بنابراین چنانچه نگرش و تفسیر کشاورز را در مورد نتایج کارش بدانیم، می‌توانیم موفقیت و رفتار او را در آینده پیشبینی و پیشنهاد کنیم. همچنین اگر بدانیم که او عملکردش را به چه کسی یا چه چیزی نسبت می‌دهد، آنگاه می‌توانیم با او بهتر برخورد کنیم و بیشتر به او کمک دهیم. نظریه اسناد برای فهمیدن اینکه چگونه افراد (از جمله کشاورزان) سطح عملکردشان (مثلاً امور تولیدی مزرعه و امور تحصیلی) را تفسیر می‌کنند و همچنین چگونه در مورد

عملکردشان، بازخورد دریافت می‌کنند، دارای اهمیت است (همان منبع). اما ما اغلب تلاشی برای تفکر عمیق در مورد اسنادهایمان انجام نمی‌دهیم (Brehm & Kassim, 1995). بنابراین مدیریت مؤثر یک عمل و همچنین راهنمایی بهتر برای اعمال بعدی، هنگامی میسر خواهد شد که دلیل یا دلایل یک عمل، ریشه‌یابی و تعیین شود (Weiner, 1985).

یک مروج به عنوان مامور تغییر، به منظور اینکه به طور مؤثر با کشاورزان تماس برقرار کند، باید احساسات کشاورزان را بداند و برای اینکه به اندازه کافی در مورد آنان شناخت پیدا کند و بتواند رفتار آینده آنها را پیشبینی نماید، باید بکوشد ویژگیهای پایدار و غیرموقعی^۱، مانند صفات شخصیتی، نگرشها و توانایی آنها را تعیین کند. از آنجا که دقیقاً نمی‌توانیم خصوصیات غیرموقعی افراد را ببینیم، لذا فقط می‌توانیم آنها را براساس اظهارات و اعمال یک شخص تفسیر کنیم (Brehm & Kassim, 1993). در مجموع، ما باید با کوشش خود، افراد را به اصلاح جهتگیری زیر ترغیب کنیم:

کاهش عملکرد → احساس ناشایستگی → نبود توانایی → شکست

به طوری که آن را به جهتگیری مطلوب زیر تغییر دهیم (سیف، ۱۳۷۹):

افزایش عملکرد → احساس گناه یا شرمساری → نبود تلاش → شکست

هدف کلی پژوهش حاضر، آزمون نظریه اسناد در مورد تولیدکنندگان پرتولید و کم‌تولید گندم و مشخص کردن مرجع موفقیتها و شکستهای آنهاست. در این راستا تلاش متخصصان مبحث انگیزش، تشویق افراد به استفاده از سازه درونی، ناپایدار و کنترل‌پذیر (تلاش) در مورد موفقیتها و شکستهایشان است. در راستای هدف کلی پژوهش، هدفهای ویژه زیر مورد توجه قرار دارد:

- مقایسه ویژگیهای فردی و زراعی دو گروه گندمکار پرتولید و کم‌تولید،

- تعیین رابطه سبکهای اسنادی تلاش، توانایی، سختی کار و شانس با عملکرد گندم،

- تعیین رابطه اسناد به عوامل درونی، اسناد به عوامل پایدار و اسناد به عوامل

1. disposition - stable characteristics

کنترل‌پذیر با عملکرد گندم.

روش شناسی

پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق پیمایشی انجام گرفته و از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده دو مرحله‌ای نیز استفاده شده است. ابتدا روستاهای شهرستان بهبهان به ۲ طبقه روستاهای زیر پوشش محدوده شبکه همساز آبیاری و روستاهای خارج از محدوده شبکه همساز آبیاری تقسیم شد. آنگاه در این ۲ طبقه، مجموعاً با ۱۳۰ کشاورز گندمکار (۴۰ گندمکار پرتولید و ۹۰ گندمکار کم‌تولید) از روستاهای شهرستان بهبهان مصاحبه حضوری انجام گرفت و پرسشنامه تکمیل شد. ابزار تحقیق در این پژوهش، پرسشنامه‌ای بود که براساس یک مطالعه راهنما^۱، پس از رفع نواقص، تهیه گردید. محاسبه ضریب آلفا در رابطه با پایایی^۲ در مورد مجموعه سؤالات سنجش متغیر نشان می‌دهد که این ضریب بین ۰/۵۴ تا ۰/۷۷ است. روایی صوری^۳ پرسشنامه را نیز متخصصان تأیید کردند. اطلاعات جمع‌آوری شده، کدگذاری و از طریق نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شد. برای تحلیل داده‌ها از آزمونهای فراوانی، درصد، آزمون تی - استیودنت، ضریب همبستگی پیرسون، کای دو و رگرسیون استفاده شد.

معیار تعیین و تقسیم تولیدکنندگان گندم به گروههای پرتولید و کم‌تولید بدین صورت بود که از مراکز خدمات جهادکشاورزی شهرستان بهبهان در باره میانگین تولید گندم در روستاهای شهرستان سؤال شد. آنگاه کشاورزانی که میانگین تولید گندم آنها برابر یا بیش از میانگین تولید گندم در روستا بود، به عنوان کشاورزان موفق (پرتولید) و کشاورزانی که میانگین تولید آنها کمتر از میانگین روستا بود، تحت عنوان کشاورزان ناموفق (کم‌تولید) دسته‌بندی شدند. یادآوری می‌شود که میانگین تولید گندم در روستاهای شهرستان بهبهان تقریباً برابر با ۳ تن در هکتار است.

1. pilot study
3. face validity

2. reliability

یافته‌ها و بحث

در این قسمت ابتدا یافته‌های به دست آمده در مورد مقایسه بعضی از ویژگی‌های فردی و زراعی گندمکاران و سپس یافته‌های حاصل از سبک اسنادی گندمکاران بیان می‌شود.

مقایسه ویژگی‌های فردی و زراعی گندمکاران

در جدول ۲ ویژگی‌های فردی و زراعی دو گروه گندمکار پرتولید و کم تولید مقایسه شده است. نتایج آزمون تی - استیودنت نشان می‌دهد که بین میانگین سن گندمکاران پرتولید (۴۶/۱) و گندمکاران کم تولید (۴۹/۷) از نظر آماری تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. همچنین بر مبنای این جدول، هر چند میانگین سطح سواد (بر حسب سال تحصیلی) گندمکاران پرتولید (۲/۳) از میانگین سطح سواد گندمکاران کم تولید (۱/۷) بیشتر است، ولی این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نیست.

جدول ۲. مقایسه ویژگی‌های گندمکاران پرتولید و کم‌تولید

سطح معنی‌داری	T آماره	گندمکاران کم‌تولید		گندمکاران پرتولید		دو گروه گندمکار و ویژگیها
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۱۷	-۱/۳۶	۱۳/۸۴	۴۹/۷	۳/۹۶	۴۶/۱	سن
۰/۱۸	۱/۳۶	۱/۷۶	۱/۷	۲/۴	۲/۳	سطح سواد
۰/۰۴	-۲/۰۳	۲/۸۷	۸/۰۱	۲/۶۹	۶/۹	تعداد افراد خانوار
۰/۰۵۲	-۱/۹۶	۱۶/۳۷	۳۲/۴	۱۴/۵۴	۲۶/۸	سابقه کار کشاورزی
۰/۹۸	-۰/۰۲	۴/۱۶	۵/۶	۴/۲	۵/۶	تعداد قطعات زمین کشاورزی
۰/۴۶	۰/۷۴	۳/۵۶	۳/۹	۶/۴۶	۴/۸	سطح زیرکشت گندم آبی
۰/۳۹	۰/۸۶	۲/۰۲	۰/۵۲	۶/۳۵	۱/۴	سطح زیرکشت گندم دیم
۰/۱۸	۱/۳۴	۴/۰۶	۵/۹	۱۶/۰۴	۹/۳	کل میزان زمین زراعی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

یافته‌های جدول ۲ همچنین گویای این است که بین میانگین تعداد افراد خانوار در این دو

گروه از نظر آماری تفاوت معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ وجود دارد ($T = -2/03$)، به گونه‌ای که این میانگین در گروه گندمکاران پرتولید کمتر است (۶/۹ در مقابل ۸/۰۱).

طبق جدول ۲، بین میانگین سابقه کار کشاورزی دو گروه یاد شده از نظر آماری تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. در واقع، هر چند گندمکاران کم‌تولید مدت بیشتری به کار کشاورزی مشغول بوده‌اند ولی این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نیست.

بین میانگین تعداد قطعات زمین کشاورزی دو گروه یاد شده از نظر آماری تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و از این لحاظ دو گروه شبیه هم هستند (جدول ۲). همچنین مقایسه سطح زیرکشت گندم آبی، سطح زیرکشت گندم دیم و کل میزان زمین زراعی گندمکاران پرتولید و کم‌تولید نشان می‌دهد که بین میانگین دو گروه، از نظر این سه ویژگی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. در جدول ۳ توزیع بافت خاک گندمکاران پرتولید و کم‌تولید با توجه به سه وضعیت شنی (سبک)، شنی - رسی (متوسط) و رسی (سنگین) نشان داده شده و با هم مقایسه گردیده است. آزمون کای دو نشان می‌دهد که تفاوت توزیع گندمکاران پرتولید و کم‌تولید از نظر بافت خاک، معنی‌دار نیست و دو گروه از این لحاظ شبیه هم هستند.

جدول ۳. توزیع بافت خاک در بین گندمکاران پرتولید و کم‌تولید

جمع		رسی (سنگین)		شنی - رسی (متوسط)		شنی (سبک)		بافت خاک
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰	۴۰	۷۵	۳۰	۱۷/۵	۷	۷/۵	۳	دو گروه گندمکار پرتولید
۱۰۰	۹۰	۶۷/۸	۶۱	۱۸/۹	۱۷	۱۳/۳	۱۲	گندمکاران کم‌تولید

$$K = 1/05$$

$$0/59 = \text{سطح معنی‌داری}$$

مأخذ: یافته‌های تحقیق

توزیع نظام زراعی گندمکاران پرتولید و کم‌تولید در جدول ۴ نشان داده شده است. در این زمینه آزمون کای دو گویای نبود تفاوت معنی‌دار بین دو گروه است.

جدول ۴. توزیع نظام زراعی در بین گندمکاران پرتولید و کم‌تولید

نظام زراعی		فقط زراعت		زراعت و دامپروری		زراعت و باغداری		زراعت، چاغداری و دامپروری		جمع
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
دو گروه گندمکار										
گندمکاران پرتولید		۱۴	۳۵	۴	۱۰	۲۰	۵۰	۲	۵	۲۰
گندمکاران کم‌تولید		۲۸	۳۱	۷	۷/۸	۴۱	۴۵/۶	۱۴	۱۵/۶	۹۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق $K^2 = ۰/۴۰ =$ سطح معنیداری $K = ۲/۹۱$

مقایسه ویژگی‌های فردی و زراعی دو گروه گندمکار نشان می‌دهد که این دو گروه از نظر بسیاری از ویژگی‌ها شبیه هم هستند و تفاوت معنیداری با یکدیگر ندارند. لذا متغیرهای دیگری تفاوت عملکرد این دو گروه را پدید آورده است. در این مطالعه متغیرهای روانشناختی مربوط به نوع اسناد دادن دو گروه می‌تواند عامل تفاوت عملکرد باشد که نتایج سنجش و تحلیل آن در زیر بیان می‌شود.

اسناد به تلاش

یافته‌ها نشان می‌دهد که رابطه معنیداری بین عملکرد گندم و اسناد به تلاش فردی وجود دارد ($P = ۰/۰۰۱$ و $r = ۰/۳۳$) (جدول ۵). به عبارتی، هر چه عملکرد بیشتر باشد، اسناد به تلاش در فرد نیز بیشتر است. آنهایی که عملکرد پایینی دارند، آن را به تلاش نکردن خود نسبت می‌دهند. این گونه اسناد دادن، بر روی عزت نفس فرد تأثیر می‌گذارد و آن را افزایش می‌دهد. هنگامی که این افراد در کاری موفق می‌شوند، بر این باورند که توانایی و تلاش آنها موجب موفقیتشان بوده است. این یافته با مطالعات برم و کاسیم و فری و گوش (Fry & Ghosh, 1980)، مبنی بر اینکه مردم به طور طبیعی در مورد رفتار خود اسناد مطلوب بروز می‌دهند، همخوانی دارد. به عبارتی مردم نسبت به موفقیت، مسئولیت بیشتری می‌پذیرند تا برای شکست. همچنین بر مبنای نظر آرکین و همکارانش مردم تمایل دارند که موفقیت‌هایشان را به تلاش‌های خود نسبت

دهند (Arkin & et.al., 1980).

اسناد به توانایی

بر اساس یافته‌های به دست آمده از جدول ۵، میان عملکرد گندم و اسناد به توانایی، رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد ($P = ۰/۰۰۰۱$ و $r = ۰/۳۷$). گندم‌کارانی که عملکرد بالا دارند، دلیل آن را به توانایی خود نسبت می‌دهند. برعکس، گندم‌کارانی که دارای عملکرد پایین هستند، آن را به توانایی کم خود منتسب نمی‌کنند. این یافته با مطالعات اسلویین و بخشی جهرمی (Bakhshi Jahromi, 1997) همخوانی دارد.

جدول ۵. رابطه سبکهای اسنادی با عملکرد گندم

سطح معنیداری	همبستگی	متغیرها (سبکهای اسنادی)
۰/۰۰۱	۰/۳۳	اسناد به تلاش
۰/۰۰۰۱	۰/۳۷	اسناد به توانایی
۰/۰۲۳	-۰/۲۴	اسناد به سختی کار
۰/۰۰۲	-۰/۳۴	اسناد به شانس
۰/۰۰۰۱	۰/۴۲	اسناد به عوامل درونی
۰/۹۰	۰/۰۱۵	اسناد به عوامل پایدار
۰/۹۴	-۰/۰۱	اسناد به عوامل کنترل پذیر

مأخذ: یافته‌های تحقیق

اسناد به سختی کار

همان طور که انتظار می‌رفت، بین عملکرد گندم و اسناد به عوامل بیرونی رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد، به طوری که اسناد به سختی کار نیز رابطه منفی و معنی‌داری با عملکرد گندم دارد ($P = ۰/۰۲۳$ و $r = -۰/۲۴$) (جدول ۵). در واقع می‌توان چنین توجیه کرد که مردم نمی‌خواهند بازده‌های نامطلوب را به خود نسبت دهند. این یافته با مطالعات آرکین و همکاران و برم و کاسیم همخوانی دارد.

اسناد به شانس

اسناد به شانس نیز رابطه معنی‌دار و منفی با عملکرد گندم دارد ($r = -0.34$ و $P = 0.002$) (جدول ۵). اسناد به شانس همیشه علت و توجیه عملکرد پایین بوده است و در چنین شرایطی، فرد مسئولیت نتایج پیش‌بینی ناپذیر را به عهده نمی‌گیرد. این واکنش گاهی ابزاری دفاعی و گاهی نیز ویژگی شخصی است. بر مبنای نظر اسلویین، افرادی که شکست می‌خورند معتقدند که (یک اسناد بیرونی و ناپایدار) این امر احتمال موفقیت در زمانی دیگر را امکان‌پذیر می‌سازد (Slavin, 1986). یافته‌های این مطالعه در مورد اسناد به شانس با یافته‌های گیچ و برلینر و برم و کاسیم مطابقت دارد.

باید گفت هنگامی که فرد بر این باور باشد که بدشانسی علت شکست او بوده است، قطعاً این حالت بیشتر از هنگامی که ناتوانی را به عنوان علت شکست خود معرفی کند، توجیه‌کننده موفقیت او در آینده خواهد بود.

برای نشان دادن اینکه کدام یک از اسنادهای علی (توانایی، تلاش، شانس و سختی کار) می‌توانند تغییرپذیری در عملکرد گندم را پیش‌بینی کنند، از آزمون رگرسیون چند متغیره به شیوه مرحله‌ای استفاده شد. جدول ۶ نشان‌دهنده یافته‌های حاصل از این آزمون است. بر مبنای این جدول، دو اسناد علی توانایی و تلاش به ترتیب می‌توانند حدود $16/7$ و $5/1$ درصد از تغییرپذیری در عملکرد گندم را توضیح دهند. در واقع اسناد به توانایی، بهتر از دیگر اسنادهای علی قادر به توضیح تغییرات عملکرد است. بر روی هم، این دو متغیر، $21/8$ درصد از تغییرات عملکرد را تبیین می‌کنند. این یافته با نتایج مطالعه بخشی جهرمی در استان فارس مطابقت دارد. بر مبنای جدول ۶، ضرایب Beta گویای این است که یک واحد تغییر در انحراف معیار اسناد به توانایی، حدود $0/41$ در انحراف معیار عملکرد گندم تغییر ایجاد می‌کند، و پس از آن در مورد اسناد به تلاش نیز یک واحد تغییر در انحراف معیار آن $0/34$ تغییر در انحراف معیار عملکرد گندم پدید می‌آورد.

جدول ۶. نتایج رگرسیون چند متغیره به شیوه مرحله‌ای به منظور تعیین رابطه

سبکهای اسنادی با عملکرد گندم

Signif.T	Beta	Se B	B	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۰۲	۰/۴۰۹	۰/۱۱۵	۰/۴۴۶	۱. اسناد به توانایی
۰/۰۰۲	۰/۳۴۱	۰/۱۱۷	۰/۳۷۳	۲. اسناد به تلاش
Constant = 1/373 F = 15/04 Signif.F = 0/0002				
Summary				
Changed R ²	adjust R ²	R ²	multiple R	مرحله
۰/۱۶۷	۰/۱۵۶	۰/۱۶۷	۰/۴۰۹	۱. اسناد به توانایی
۰/۰۵۱	۰/۱۹۷	۰/۲۱۸	۰/۴۶۷	۲. اسناد به تلاش

مأخذ: یافته‌های تحقیق

اسناد به عوامل درونی - بیرونی

بر مبنای جدول ۵، بین اسناد به عوامل درونی و عملکرد محصول گندم رابطه معنیداری وجود دارد (P = ۰/۰۰۰۱ و r = ۰/۴۲). به عبارت دیگر، کشاورزانی که عملکرد بالا دارند، علت آن را بیشتر به سازه‌های درونی نسبت می‌دهند و در مقابل، کشاورزانی که دارای عملکرد پایین‌اند، علت آن را به سازه‌های بیرونی منتسب می‌کنند. این یافته با مطالعات اسلویین و بخشی جهرمی مبنی بر اینکه افراد موفق، علت موفقیت خود را بیشتر در درون خود می‌بینند تا عوامل بیرون از خود، همخوانی دارد. در واقع این یافته معرف یک سوگیری خود - مدار است که فرد نقش خود در فعالیتها را بیشتر جلوه می‌دهد (Moghaddam, 1998).

اسناد به عوامل پایدار

جدول ۵ رابطه بین عوامل پایدار و عملکرد محصول گندم را نیز نشان می‌دهد. انتظار چنین بود که کشاورزان دارای عملکرد بالا بیشتر به عوامل پایدار و کشاورزان دارای عملکرد

1. self-serving

پایین برعکس، به عوامل ناپایدار استناد کنند. براساس جدول ۵، بین اسناد به عوامل پایدار و ناپایدار با عملکرد گندم رابطه معنیداری به دست نیامد. این یافته با نتایج مطالعه بخشی جهرمی در استان فارس همخوانی دارد. بر مبنای نظریه اسناد، در برخورد با شکست، اسناد به عوامل پایدار منجر به انتظار شکست بیشتر در آینده نسبت به اسناد به عوامل ناپایدار می‌شود، به گونه‌ای که بر پایه نظر متخصصان، اسناد شکست به عوامل درونی و پایدار منجر به "درماندگی آموخته شده" می‌شود. اما یافته اخیر با مدل وینر همخوانی ندارد.

اسناد به عوامل کنترل‌پذیر

یافته‌های جدول ۵، گویای این است که بین اسناد به عوامل کنترل‌پذیر با عملکرد گندم، رابطه معنیداری دیده نشد. به عبارتی، بین دو گروه پرتولید و کم‌تولید از این نظر رابطه‌ای وجود ندارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بسیاری تصور می‌کنند که اندازه زمین زراعی، آگاهی و نهاده‌های زراعی مهمترین سازه‌ها در تولید کشاورزی هستند در حالی که عوامل فراوانی وجود دارد که بر تولیدات تأثیر می‌گذارد و با آن رابطه دارد. در این خصوص عوامل روانشناختی مانند سبک اسنادی، نقش مهمی در این فرایند ایفا می‌کنند. در واقع سبک اسنادی دارای اثرات انگیزشی است.

نتایج این مطالعه نشان داد که گندم‌کاران پرتولید و کم‌تولید، ویژگی‌های فردی و زراعی تا اندازه‌ای مشابه دارند، به طوری که از نظر سن، سطح سواد و سابقه کار کشاورزی بین دو گروه تفاوت معنیداری وجود ندارد. همچنین از نظر میزان زمین زراعی، سطح زیرکشت گندم آبی، سطح زیرکشت گندم دیم، نوع بافت خاک و نوع نظام زراعی نیز بین این دو گروه تفاوت معنیداری وجود ندارد و هر دو از این نظر ویژگی‌های نسبتاً مشابهی دارند. در واقع یافته‌های این مطالعه نشان داد که متغیرهای روانشناختی، توجیه‌کننده تفاوت در بین دو گروه یاد شده است. یافته‌های این پژوهش همچنین نشان داده است که در این میان سهم عوامل درونی

توانایی و تلاش بیش از دو عامل دیگر است، به طوری که عملکرد گندم تحت تأثیر اسناد به توانایی و اسناد به تلاش قرار دارد. به عبارتی کشاورزان پر تولید و موفق فعالیتهای خود را بیشتر به توانایی و تلاش خود نسبت می دهند به طوری که هر چه تولید افراد بالاتر می رود، آنها موفقیت و عملکرد خود را بیشتر به توانایی و تلاش خود در فعالیتهای کشاورزی اعم از کاشت، داشت و برداشت نسبت می دهند. همچنین یافته های دیگر پژوهش حاکی از این است که گندمکاران، بیشتر عملکرد خود را به عوامل درونی منتسب می کنند. به عبارتی گندمکاران نقش و موقعیت خود را در فعالیتهای بیشتر جلوه می دهند. این امر نکته مهمی در پژوهشهای روانشناختی کشاورزی است و کاربردهای مهمی در برنامه های آموزش کشاورزی دارد. لذا تلاش در جهت تغییر اسناد کشاورزان از عوامل بیرونی به درونی از پیشنهادهای خاص این پژوهش است. این تغییر سبک در درازمدت سبب افزایش اعتماد به نفس و مسئولیت پذیری کشاورزان می شود و همچنین فعالیت بیشتر آنان را در عملیات کشاورزی به دنبال خواهد داشت. در این راستا توجه کارشناسان باید به استفاده از موقعیتهای جدید، مانند روشهای کاشت جدید، استفاده از راهبردهای علمی برای حفاظت از گیاهان و استفاده از وارپته های پیشرفته باشد؛ زیرا موفقیت کشاورزان در این شرایط جدید به آنها کمک خواهد کرد. برنامه های خاصی نیز برای این منظور می توان ارائه کرد؛ برای مثال می توان در حین کلاسهای ترویجی، مسئولیت شخصی کارها را به کشاورزان واگذار کرد، نیز اینکه در این کارها باید هدفهای واقعی و عینی انتخاب و برای تحقق آنها برنامه ریزی شود.

لزام اجرای برنامه های آموزشی برای افزایش اطلاعات و دانش کشاورزان از پیشنهادهای دیگر این پژوهش است. دسترسی به دانش و اطلاعات جدید می تواند نقش مهمی در نحوه اسناد دادن کشاورزان در مورد فعالیتهایشان داشته باشد، به گونه ای که سبب افزایش اسناد به تلاش، توانایی و همچنین اسناد به عوامل درونی و کنترل پذیر گردد. در واقع سازه های انگیزی و دسترسی به اطلاعات بر تصمیم گیریهای اسنادی تأثیر می گذارد، به طوری که افراد دارای اطلاعات اندک در زمینه کشاورزی، یقیناً عملکرد پایینی دارند و راهی جز نسبت دادن

عملکرد به سختی کار یا نبود شانس نمی بینند. لذا بررسی این امر به عنوان هدف کاربردی پژوهشهای آینده توصیه می شود.

منابع

۱. زمانی، غ. (۱۳۷۰)، نظریه های انگیزش و کاربرد آنها در ترویج و آموزش کشاورزی، ششمین سمینار علمی ترویج کشاورزی، سازمان ترویج کشاورزی، تهران، ص ۲۴۶ تا ۲۳۱.
۲. سیف، غ. (۱۳۷۹)، روانشناسی پرورشی، روانشناسی یادگیری و آموزش، انتشارات آگاه.
3. Arkin, R.M., A.J. Appleman & J.M. Burger (1980), Social anxiety, self - presentation, and the self-serving bias in causal attribution, *Journal of personality and Social psychology*, No.38,23-35
4. Bakhshi Jahromi, A. (1997), The comparison of high and low performance wheat growers with respect to their attributional style, Unpublished master's thesis, Agricultural faculty, Shiraz University, Shiraz.
5. Betancourt, H. & B. Weiner (1982), Attribution for achievement-related events, expectancy and sentiments, A study of success and failure in Chile and the United States, *Journal Cross-Cultural Psychology*, No 13, 362-374.
6. Brehm, S.S. & S.M. Kassim (1993), *Social psychology* (Second ed.), Houghton Mifflin Company, Boston.
7. Chandler, T.A. & C.J. Spies (1996), Semantic differential comparisons of attributions and dimensions among respondents from seven nations, *Psychological Reports*, No. 79, 747-758.
8. Fanelli, G.C. (1977), Locus of control, In S. Ball (ed.), *Motivation in*

- education (45-66) Academic Press, New York.
9. Fry, P.S. & R. Ghosh (1980), Attribution of success and failure, Comparison of Cultural differences between Asian and Caucasian Children, *Journal of Cross-Cultural Psychology*, No. 11, 343-363.
10. Gage, N.L. & D.C. Berliner (1992), Educational psychology (fifth ed.). Houghton Mifflin Company, Boston.
11. Moghaddam, F.M. (1998), Social psychology, exploring universals across cultures, W.H. Freeman and Company, New York.
12. Slavin, R.E. (1986) Educational Psychology : Theory into practice, John Hopkins University Press, New York.
13. Weiner, B. (1985), An attribution theory of achievement motivation and emotion, *Psychological Review*, No. 92, 548-573.
14. Zuckerman, M. (1979), Attribution of success and failure, or : The motivational bias is alive and well in attribution theory, *Journal of Personality*, No. 47, 245-287.